



مطالعه تطبیقی اشعار گنبد سفید نظامی با چهار نگاره منتخب با تکیه بر دیدگاه ژرار ژنت

نرگس مقصودی

دانشگاه ادیان و مذاهب

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱

چکیده

ظهور ادبیات در عرصه نگارگری نشان از پیوند عمیق و دیرینه این دو حوزه با یکدیگر است. هفت پیکر نظامی منبع الهام نگارگران در خلق آثار نگارگری شناخته شده است. از سوی دیگر نگارگران در برخورد با متن کلامی نظامی در کنار صور خیال هنری و بصری خود از صور خیال شاعر بهره برده و آن را به تصویر می کشند. چستی و چگونگی این فرآیند در تطبیق نگاره با اشعار هفت پیکر نظامی تبیین می شود. در این پژوهش به مطالعه تطبیقی داستان گنبد سفید هفت پیکر نظامی با چهار نگاره گنبد سفید از چهار دوره مختلف با تکیه بر دیدگاه ترامنتیت ژرار ژنت پرداخته شده است. از آنجا که دریافت های شاعر و نگارگر در مواجهه با متن به شکل کلی آن با هم متفاوت است اما تاثیر و پیوستگی متون بر یکدیگر قابل انکار نیست، در این جستار بر آنیم تا قرائت هر یک را با روش ترامنتیت به شکل تطبیقی بررسی کنیم و راهگشا بودن ترامنتیت ژنت را در خوانش نگاره ها مورد سوال قرار دهیم. با فرض مراجعه به متن شعر نظامی، نگارگر سه شیوه: بینامتنیت: حضور نشانه های کلامی در تصویر. فرامتنیت: تأویل اشعار توسط نگارگر و روش وی در خلق نگاره. بیش متنیت: تقلید از نظام کلامی در خلق نظام تصویری در دو قالب تغییر و تقلید را در خلق آثارش به کار برده است.

کلید واژه ها: شعر نظامی، نگاره، گنبد سفید، ژرار ژنت، تطبیق



مقدمه

سبک و شیوه حکیم نظامی گنجوی از دیرباز سبب شده است که نگارگران برای خلق آثار هنری از مجموعه آثار این شاعر توانمند به وفور بهره ببرند. خلق آثار تصویری از مجموعه هفت پیکر شامل صحنه‌هایی فراوان است که از این میان، چهار نگاره از داستان گنبد سفید برگزیده شدند، هنرمند با توجه به سطح توانایی خود در زمینه‌های درک پیش‌متن و جهان‌بینی نظامی، خلاقیت هنری، قدرت قوه خیال و وابستگی و یا عدم وابستگی ذهن به مسائل اجتماعی، فرهنگی و... مشغول به خلق نگاره می‌شود. نگارگران از گذشته تاکنون برای خلق آثار خود پیوند تنگاتنگی با ادبیات داشته‌اند اما چگونگی تعامل نگارگر با متن کلامی همیشه پوشیده بوده است اینکه کیفیت یک متن در قالب متنی دیگر به چه شکل انجام می‌شود و این سیر تطور و تحول چگونه صورت می‌گیرد و آیا نگارگر عصر حاضر با بهره‌گیری از این اصول در پیوند با متن کلامی و ادبی خروجی بهتری خواهد داشت یا خیر؟ بررسی خواهند شد. در این مسیر روش ترامنتیت ژنت به عنوان ابزاری برای استفاده از متون و کاربرد متن ادبی در متن تصویری شناسایی و معرفی خواهد شد.

بیان موضوع

موضوع این پژوهش بیان اندیشه و جهان‌بینی حکیم نظامی و نحوه برخورد نگارگر با این اندیشه و در نهایت به تصویر کشیدن آن است. تبدیل نظام کلامی حکیم نظامی به نظام تصویری امری بسیار دشوار است چرا که در پس داستان‌های مادی و گاه مبتذل نظامی در قصه بهرام گور و سیر معنوی او، معانی بسیار عمیق و جان‌بخش از علوم مختلف مانند نجوم، طب، معماری و در کل هستی‌شناسی خاصی وجود دارد که هنرمند را محدود و امر را بر وی مشکل می‌سازد. بر این اساس نگارگر برای بیان این معانی عمیق از نشانه‌هایی قراردادی استفاده می‌کند که برای مخاطب درک معنای آن سهل و ممکن باشد مانند استفاده از جام شراب برای بیان مستی معنوی که برای بهرام با نقل داستان رخ می‌دهد و یا توجه به زاویه دید و... معنا و مفهوم را منتقل می‌کنند. برای درک و تبیین روند تبدیل داستان گنبد سفید به نگاره‌های آن، دیدگاه ژنت بسیار مفید است چرا که با تقسیم‌بندی وی در زمینه ایجاد متن‌های جدید بر اساس متون قبلی به دست آوردهایی دقیق‌تر و مفیدتری دست پیدا خواهیم کرد.

روش پژوهش

شیوه این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مشاهده صورت گرفته است. پژوهش در زمینه ادبیات و نگارگری از طریق تطبیق و مقایسه انجام شده است.

چارچوب نظری

تعریف و بررسی مفهوم ترامنتیت

ژرار ژنت (Gerard Gente) (۱۹۳۰) نظریه‌پرداز ادبی و نشانه‌شناس فرانسوی است. وی اندیشه‌ای را بسط و گسترش داد که اولین بار تحت واژه بینامتنیت توسط ژولیا کریستوا در پی مطالعه و الهام گرفتن از آثار باختین، مطرح شد. به دنبال کریستوا اندیشمندانی همچون رولان بارت، ژرار ژنت، میکائیل ریفاتر و بسیاری دیگر به گسترش این مباحث در حوزه‌های گوناگون پرداختند. براساس

نظریه بینامتنی، هر متنی بر پایه متن‌های پیشین بنا می‌شود و به گفته بارت «هر متنی بینامتن است.» (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ص ۸۵) وی با گسترش این نوع مطالعات در حوزه‌های مختلف واژه ترامنتیت (Transtextualite) را مطرح کرد و آن را به پنج دسته تقسیم کرد. در جدول اقسام ترامنتیت ژنت با ترجمه دکتر بهمن نامور مطلق (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۵) و تعاریف آنها آمده است:

اقسام ترامنتیت	ترجمه	تعاریف
Arcitextualite	سرمنتیت	رابطه میان یک متن و گونه‌ای که به آن تعلق دارد
Paratextualite	پیرامنتیت	رابطه یک متن و پیرامتن‌های پیوسته و گسسته
Metatextualite	فرامنتیت	رابطه تفسیری یک متن نسبت به متن دیگر
Hypertextualite	بیش منتیت	رابطه میان دو متن بر اساس رابطه هم‌حضور
Transtextualite	بینامنتیت	رابطه میان دو متن بر اساس رابطه برگرفتنگی

در دیدگاه ژنت برای بررسی دو متن ادبی یا هنری، بینامنتیت و بیش‌منتیت قابل طرح است. در دیدگاه ژنت ارتباط میان متن‌ها بصورت تعامل میان فرهنگ‌ها و میراث‌هایی بر جای مانده از گذشتگان است و قدمت فرهنگ‌های غنی به قدمت تاریخ انسان‌ها و وسعت خیال آنهاست. (نامور مطلق، ۱۳۸۴). تعامل دو متن ادبی و هنری در دو شاخه بینامنتیت (Transtextualite) و بیش‌منتیت (Hypertextualite) بررسی می‌شود. بینامنتیت رابطه میان متن ۱ با متن ۲ است به طوری که (رابطه میان دو متن بر اساس هم‌حضور است) (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۸) در رابطه هم‌حضور بخشی از متن ۱ در متن ۲ حضور دارد. رابطه بینامنتیت به سه دسته تقسیم می‌شود: صریح و لفظی، کمتر صریح و غیرصریح، کمتر صریح (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۸). بینامنتیت صریح و لفظی؛ حضور متن ۱ در متن ۲ به صورت آشکار است و نویسنده آگاهانه از حضور متن دیگر در متن خود بوسیله نقل قول و یا ارجاع‌هایی که داده می‌شود خبر می‌دهد. بینامنتیت کمتر صریح و غیرصریح؛ بینامنتیتی است که حضور یک متن در متن دیگر پنهان است و این به معنای حضور بودن بدون ارجاع و به نوعی سرقت ادبی محسوب می‌شود. بیش‌منتیت همانند بینامنتیت در حیطه دو متن ادبی و هنری است رابطه میان دو متن در این رابطه بر اساس برگرفتنگی است و حضور متن دیگر نقشی ندارد بلکه تاثیر یک متن در متن دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد. «البته می‌توان تصور کرد که در هر حضوری تاثیر نیز وجود دارد و همچنین در هر تاثیری نیز حضور وجود دارد. اما در بیش‌منتیت تاثیر گسترده‌تر و عمیق‌تری مورد توجه است. به عبارت روشن‌تر اگر در بینامنتیت اغلب حضور بخشی مورد توجه است، در بیش‌منتیت تاثیر کلی و الهام‌بخشی کلی مورد نظر است.» (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۹۵) ژنت خود در تعریف بیش‌منتیت می‌نویسد: «هر رابطه‌ای که موجب پیوند میان یک متن ۲ با یک متن پیشین ۱ باشد، چنان که این پیوند از نوع تفسیری نباشد.» (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۹۵) رابطه برگرفتنگی در میان بیش‌متن و پیش‌متن رابطه‌ای است که در دو جهت بررسی می‌شود: ۱- تقلید ۲- تراگونگی. نویسنده یا هنرمند با استفاده از تقلید یا تراگونگی پیش‌متن به خلق بیش‌متن می‌پردازد. تقلید؛ یک عملیات تقلیدی است که با حفظ تمامی جوانب پیش‌متن، بیش‌متن خلق می‌شود اما در تراگونگی اصل ایجاد بیش‌متن دگرگونگی و تغییر پیش‌متن است. تغییراتی که در تراگونگی ایجاد می‌شود به شکل‌های گوناگون قابل تقسیم است. از نظر نوع تغییر می‌توان آنها را به سه دسته بزرگ تقسیم کرد: کاهش، افزایش و جابه‌جایی (نامور مطلق، ۱۳۸۴: ۱) اگر نحوه عملکرد ما در رابطه با متن اول کاهشی باشد این عملیات به سه نحو صورت می‌گیرد:



کاهش

۱- پیرایش ۲- آرایش ۳- افشردگی

پیرایش: عمل حذف و کاهش مضمون و محتوی است با هدف مطابقت با فرهنگ جامعه، اعتقادات، اخلاقیات و... است.

آرایش: عمل حذف و کاهش با هدف ایجاد زیبایی‌های سبکی است.

افشردگی: عملیات حذف و کاهش هم در مضمون و هم در محتوی و هم سبک صورت می‌گیرد.

افزایش

در گسترده کردن بیش متن از افزایش و گسترده کردن پیش متن استفاده می‌کنیم که این نوع از تراگونگی نیز به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱- توسعه: در اینجا افزایش ما مربوط به مضمون می‌شود که به دو شکل برون‌متنی و یا درون‌متنی تقسیم می‌شود.

۲- اضافه: نقش اضافه در آرایش متن است در زمینه سبک به این نحو که آرایه‌های ادبی، توصیفات، و مضامین بیشتر و پر رنگ‌تر مطرح می‌شوند.

۳- گسترش: در اینجا هم افزایش و گسترده شدن در مضمون و هم در سبک وجود دارد.

جابه‌جایی (جانشینی)

همچنان که ژنت می‌گوید در بسیاری از موارد نیز عمل کاهش و افزایش با هم صورت می‌گیرد که در این صورت جانشینی نیز صورت می‌گیرد در اینجاست که تغییرات جابه‌جایی‌ها بسیار گسترده می‌شوند و پیش‌متن از بیش‌متن بیشترین فاصله را می‌گیرد.

هفت پیکر نظامی

نظامی گنجوی (۴۲۰-۴۸۳ ق.م) (صفا، ج ۱، ۱۳۷۹: ۲۰۴) شاعر عالم و حکیم گنجه نه سال پس از پایان قصه لیلی و مجنون و هفده سال از ختم داستان خسرو و شیرین (زرین کوب، ۱۳۸۹: ۱۳۵) در ایام پختگی و کمال شروع به سرودن هفت پیکر می‌کند کتابی که می‌توان مانند یک جهان‌نامه علاوه بر مسائل تاریخی مسائل معرفتی و علمی را نیز از آن استخراج کرد. در این کتاب داستان تاریخی پادشاهی نقل شده است که نامش بهرام، فرزند یزدگرد ساسانی است. جلوه‌های متنوع عوالم روحانی و معنوی قهرمان در قالب زبانی رمزآلود بیان می‌شود. وجود داستان‌هایی که پی‌درپی نقل می‌شود به منزله حجاب‌هایی هستند که معنی و مقصود شاعر در زیر آنها پنهان شده است و وجود جنبه‌های فرازمینی و خیالی در متن ظن مخاطب آگاه را به وجود معنی باطنی و مکتوم فرا می‌خواند. «حکما و بزرگان و فلاسفه بشری اموری را که مربوط به ماورای طبیعت و سرنوشت روح است در قالب صحنه‌ها و تصاویر حسی انعکاس می‌دهند تا درک آن برای عموم میسر باشد. اغلب این تصاویر و رموزها معمولا در خواب قهرمان نوعی (Typeic) و تمثیل‌های آنان جلوه‌گر می‌شود و از همین جاست که بافت قصه‌ها و رویا با هم ارتباط پیدا کرده است.» (پورنامداریان، ۱۳۸۳: ۱۶۰)

گنبد سفید

قصه گنبد سفید داستان گنبد هفتم و آخرین مرحله از سیر کمال بهرام گور است، رسیدن به این مرحله پس از گذراندن دورانی از بدو تولد می‌باشد؛ بهرام بعد از تولد به گفته منجمان و طالع‌بینان برای رشد و نمو و مصون ماندن از پرورش به خلق و خوی ستمکاری پدر به دیار عرب و نزد نعمان پادشاه سپرده شد. (دستگردی، ۱۳۸۱: ۶۷).

قصری خورنق نام برای پرورش بهرام ساخته می‌شود. وقایعی که برای قهرمان داستان روی می‌دهد و یا تاکید بر مهارت‌های خاص بهرام، هر یک بیانی رمزی هستند از طی طریق‌های بهرام گور؛ شکار بیش از اندازه گورها را، علاقه زیاد به عیش و نوش، کشتن شیر و گور به یک تیر، کشتن اژدها و یافتن گنج در غار و... مواردی مهم هستند که پرده برداشتن از واقعیت مکتوم موجود در آنها بیان روند تکاملی بهرام است که بدنبال آزاد کردن سرشت پنهان و زندان تن است. قهرمان داستان با شکار کردن نفس گریزپای خود را شکار می‌کند که آنچه شکار می‌کند یا مورد شکار واقع می‌شود بیانگر رسیدن به مرتبه‌ای بالاتر است که نقطه کمال این روند در شکار اژدها است که دست‌آورد آن برای بهرام قابلیت درک هفت پیکره در حجره‌ای در قصر خورنق است. بهرام بعد از رسیدن به تخت پادشاهی و غلبه بر دشمنان و رفع مشکلات جامعه و اجرای عدل و عدالت، بهرام به یاد هفت پیکره در قصر خورنق هفت دختر از هفت اقلیم را می‌طلبد:

چون ز کشور خدای هفت اقلیم / هفت لعبت ستند چو در یتیم

از جهان دل به شادمانی داد / داد عیش خوش و جوانی داد

شیده معماری آگاه و عالم به طبیعت، هندسه و نجوم هفت گنبد همچون هفت حصار برای این هفت شاهزاده متناسب با هفت سیاره، هفت روز هفته، هفت رنگ می‌سازد. (دستگردی، ۱۳۸۱: ۱۵۰). «نکته جالب توجه در ارتباط هفت گنبد این است که به گفته منتقدان تمام این قصه‌ها، خواب قهرمان آن (بهرام گور) است و عناصر این خواب‌ها رمزهایی قابل تاویل بر مفاهیم تجربه‌ناپذیر دنیای فراسوی بشر است.» (یاوری، ۱۳۷۴: ۱۱۳) بهرام گور در تاریکی ظلمات در جست‌وجوی آب حیات می‌رود، و این سفر را با گنبد سیاه آغاز می‌کند و پس از عبور از گنبد‌های پنج‌گانه به آخرین گنبد، گنبد سفید منتهی می‌شود. نقش زنان در بالا بردن مقامات روحی قهرمان بسیار مهم است چرا که در هر گنبد این شاهدخت‌های زمینی فرشتگانی آسمانی هستند و پادشاه با ابراز محبت و احترام به این زنان راستین به مردی پخته و کامل بدل می‌شود. «اعداد نیز در این قصه جایگاه خاصی دارند، محور قصه بر عدد هفت استوار شده است، گنبد سفید گنبد هفتم از هفت پیکر نظامی است که در آن قهرمان بهرام مسیر تکامل را می‌پیماید از این رو نظامی، دختر شاه ایران را در این گنبد قرار داده است.» (معین، ۱۳۳۸: ۸۱)

قصه گنبد سفید آخرین دایره سرنوشت بهرام است، سفر او به دنیای درون که با دیدار سایه و سیاهی آغاز شده بود در هفتمین گنبد با آمیزش او با نور و سفیدی به پایان می‌رسد. بهرام درون خود را می‌شناسد و قلمرو ناخودآگاه خود را به سود سویه خودآگاهش در فرمان می‌گیرد تا به تمامیتی برسد که مرحله اول فرآیند خودشناسی بر پایه آن استوار است. (یاوری، ۱۳۷۴: ۱۴۹)

قصه گنبد سفید در هفتمین گنبد در شب جمعه از زبان شاهزاده ایرانی درستی، دختر کسری، از نسل کیکاووس (آیتی، ۱۳۷۶: ۷) نقل می‌شود.

روز آدینه کاین مقرنس بید / خانه را کرد از آفتاب سپید

شاه با زیور سپید به ناز / شد سوی گنبد سپید فراز

زهره بر برج پنجم اقلیمش / پنج نوبت زنان به تسلیمش

تا نزد بر ختن طلایه زنگ / شه ز شادی نکرد میدان تنگ

وی داستان را از زبان مادرش که او هم از زبان دوستی در میهمانی نقل می‌کند، بیان می‌کند: داستان جوان صاحب‌باغی است که هر هفته برای تماشای باغش به قصد تفرج می‌رود، باغی که یک باغ معمولی نیست و به شکل باغ ارم است.

گفت شیرین سخن جوانی بود / کز ظریفی شکرستانی بود



عیسی گاه دانش آموزی / یوسفی وقت مجلس افروزی
آگه از علم و از کفایت نیز / پارسائیش بهتر از همه چیز
داشت باغی به شکل باغ ارم / باغها گرد باغ او چو حرم
خاکش از بوی خوش عبیر سرشت / میوه‌هایش چو میوه‌های بهشت

روزی طبق معمول هر هفته به باغ خود رفت اما با در بسته باغ مواجه می‌شود، صدای ساز و چنگ درون باغ میل او را برای رفتن به درون باغ دو چندان می‌کند. از درون روزنه‌ای وارد باغ می‌شود و گروهی از دختران را که در حال رقص و شنا کردن هستند را درون باغ می‌یابد و از درون رخنه‌ای مشغول تماشای آنان می‌شود اما غافل از اینکه دو کنیزک زن برای پاسداری از آن دختران گماشته شده بودند تا چشم نامحرمان بر آنها نیفتد، جوان را گرفتند و دست و پای او را بستند و با چوب او را تنبیه کردند جوان ادعای مالکیت باغ را کرد و کنیزکان بعد از گرفتن نشانه‌هایی وی را صادق یافتند و رهایش کردند و برای جبران اجازه دادند تا از آن میان دختری را برگزیند؛ جوان بعد از نظاره کردن دختری چنگ‌نواز را برگزید و بعد از جویا شدن دو کنیز، دختر به نزد وی آورده شد.

چون درون رفت خواجه از سوراخ / یافتندش کنیزکان گستاخ

زخم برداشتند و خستندش / دزد پنداشتند و بستندش

خواجه در داده تن بدان خواری / از چه از تهمت گنه کاری

بعد از گفتگویی که میان دختر و جوان صورت گرفت، خواجه قصد وصال با دختر چنگ‌نواز، بخت‌نام را کرد، اما چهار بار ناکام ماند. با وجود مهیا کردن شرایط توسط کنیزکان هر بار دخترک و جوان با ناکامی از یکدیگر جدا می‌شدند تا اینکه شب به پایان رسید و سپیده زده شد. در نهایت خواجه وقتی از آنچه بر او گذشته بود اندیشه‌ای کرد و قصد کرد که در سپیدی روز دخترک بخت‌نام را به حلال عروس خود کند و خداترسی را پیشه خود کرد و به عهد خود وفا کرد.

به حلالش عروس خویش کنم / خدمتش ز آنچه بود بیش کنم

کار ببینان که کار او دیدند / از خدا ترسیش بترسیدند

سر نهادند پیش او بر خاک / کافرین بر چنان عقیدت پاک

که درو تخم نیکوئی کارند / وز سرشت بدش نگه دارند

«به هنگام صبحدم که جوان تنبه قلبی می‌یابد (یقین و اراده) و به قصد به دست آوردن مشروع کنیزک به شهر می‌رود، بخش‌های منفی (شیطانی) درونش به بخشی مثبت (ایزدی) تبدیل می‌شود. قهرمان پس از انتباه کامل، بار دیگر به شهر، که نماد عالم محسوس است یا به خود آگاه رجعت می‌کند. (پورنامداریان، ۱۳۸۳: ۷۵) در این داستان نقش این دو زن مانند تمامی زنانی که در اندیشه نظامی هستند بالا بردن صبر مردان و ایجاد پختگی در اندیشه آنان است و از ابتدای ورود جوان مشغول تربیت وی هستند تا پاک شود و بتواند دیده بر پاک بیندازد. روز جمعه مظهر سیاره آناهیتا یا زهره است که به باغ و بوستان و دوشیزگی و آب وابسته است، ساکنان این سیاره به موسیقی علاقه وافر دارند و زیبا و دوست‌داشتنی هستند و طبیعتشان آنها را به سوی نیکی و زیبایی سوق می‌دهد. شکیبایی که قهرمان داستان اختیار می‌کند سبب می‌شود از چهار مرحله آزمایش به سلامت بیرون آید و ظرفیت وصال بانوی زیبا را بیابد. «نکته قابل توجه دیگر در قصه شنا و رقص دایره‌ای دختران در آب است که بواسطه آن قهرمان، دختر مورد علاقه‌اش را بر می‌گزیند. این دختر بخت‌نام، در واقع طالع قهرمان است اما ارتباط ریشه‌داری میان این تصویر و توصیف آن از زبان شاعر با «چرخ طالع و بخت» وجود دارد.» (پراپ،

۱۳۷۱: ۶۹) بهرام گور با شنیدن این داستان روندش به سوی خودشدن و تمامیت به پایان می‌رسد و از درون اینقدر پر و لبریز می‌شود که آمادگی رسیدن به مقام فنا و فنا شدن در مقام عشق الهی را می‌یابد و نهایتاً بعد از اندرز گرفتن از شبان و دادخواهی هفت مظلوم، وقتی به عادت معهود خود به شکار می‌رود، در جست‌وجوی گوری در غار که همان نفس خود اوست ناپدید می‌شود و به مقام فنا می‌رسد.

چون سمن سینه زین سخن پرداخت / شه در آغوش خویش جایش ساخت

وین چنین شب بسی به ناز و نشاط / سوی هر گنبدی کشید بساط

به روی این آسمان گنبدساز / کرده درهای هفت گنبد باز

داده‌های پژوهشی

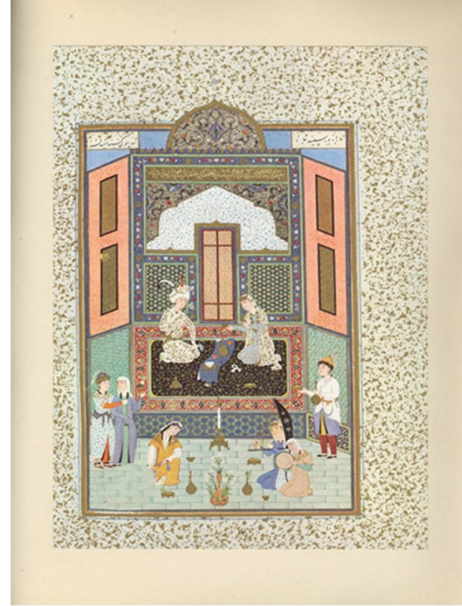
در بررسی متن شعر گنبد سفید و نگاره‌ها و به شکل جزئی‌تر شعرهای موجود در نگاره‌ها مسیر خلق نگاره تشریح می‌شود مسیری که به شکل ناخودآگاه طی می‌شود و قرن‌ها همچون میراثی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. نظریه ترامتیت به ما کمک می‌کند تا بتوانیم مسیر خلق و ابداع را در چارچوبی نوین بیاموزیم. به شکلی که در کنار موهبت عنصر خیال به شکلی نظام‌مند بتوانیم نقش بزینم و خلق کنیم. و آگاهانه با تسلط به متن اصلی به خلق متن نو پردازیم. در صورتی که متن اصلی ادبیات باشد نگارگر در هنگامه خلق اثرش با علم بر تغییر و تبدل متنی به متن دیگر دریچه جدیدی را به روی خود گشوده است. اینچنین حتی تقلید و تکرار از آثار گذشتگان سبب ایجاد هنری نو و نوین می‌شود. هنرمند به پشتوانه ادبیات و قوه خیال قدم برمی‌دارد و تسلط بر متن ادبی امتیازی است که موجب تسلط بر متن تصویری می‌شود. گسترده‌گی علوم دوران مدرن هنرمند را پخته‌تر و آگاه‌تر می‌کند و اگر التفات هنرمند به این علوم در کنار قوه خیال باشد ما شاهد رویکردی جدید در نقش و نگار هنرمند خواهیم بود هر چند این اصول برای هنرمندان دست و پا گیر هستند اما بی‌شک مسیری نوین را برای هنرمند مشتاق رقم می‌زنند.

بحث

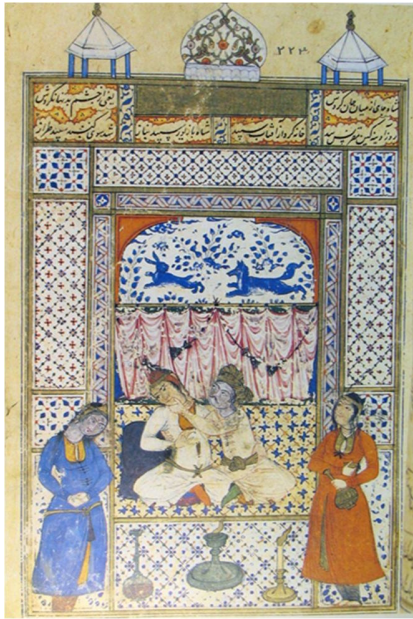
از میان چهار نگاره منتخب نگاره ۴ بیشترین اشاره را به افسانه جوان و دخترک بخت‌نام دارد. ویژگی مشترک این چهار نگاره این است که تمرکز نگارگر بیشتر بر بهرام و نقل داستان از زبان شاهزاده است و افسانه مورد نقل در برخی از نگاره‌ها بیشتر با به کار بردن نشانه‌هایی در کنار بهرام و شاهزاده به کار برده شده است، نگاره ۲ دارای این ویژگی است. به طور قطع تشخیص اینکه نگارگر آیا به متن مراجعه کرده یا خیر مشکل است، اگر پیش‌متن نگارگر، نگاره بوده باشد نیز نگارگر با به کار بردن تراگونگی‌های فرهنگی، ملیتی، عقیدتی و... به خلق جدیدی دست زده است. تطبیق نگاره‌ها با اشعار در یک قاب تصویری صورت می‌گیرد که هم نشانه‌های کلامی و هم نشانه‌های تصویری در کنار هم حضور دارند.



نگاره ۲: دوره صفوی ۱۵۲۴م / ۹۳۱ه.ق



نگاره ۱: شیراز ۱۴۳۱م / ۸۳۵ه.ق



نگاره ۴: مکتب اصفهان ۱۶۳۶م / ۱۰۴۶ه.ق - باکو



نگاره ۳: مکتب بخارا، ۱۵۷۸م / ۹۸۶ه.ق

تطبیق یافته‌ها

(علامت * به معنای به کار بردن و - به معنای عدم به کار بردن است.)

مسئله تطبیق	شعر (متن ۱)	نگاره ۱ (متن ۲)	نوع ترامتیت ژنت
رنگ لباس	شاه با زیور سپید به ناز	-	بیش متنتیت: تراگونگی - تغییر
رنگ گنبد	شد سوی گنبد سفید فراز	*	بینامتنیت/ بیش متنتیت
اشاره به فرارسیدن شب	چون شب از سرمه فلک پرورد...	*	بینامتنیت/ بیش متنتیت: تراگونگی - تغییر
حالت طلب بهرام	شاه از آن جان نواز دل داده خواست...	-	بیش متنتیت: تراگونگی - تغییر
اشاره به صاحب باغ	گفت شیرین سخن جوانی بود...	-	بیش متنتیت: تراگونگی - تغییر
اشاره به زنان نگهبان	دو سمن سینه بلکه سیمین...	-	بیش متنتیت: تراگونگی - تغییر
اشاره به دختران زیبا روی	تا بر آن حور پیکران چو ماه...	-	بیش متنتیت: تراگونگی - تغییر
انتخاب دخترک چنگ نواز	خواجه نقشی که در پسند...	-	بیش متنتیت: تراگونگی - تغییر

مسئله تطبیق	شعر (متن ۱)	نگاره ۲ (متن ۲)	نوع ترامتیت ژنت
رنگ لباس	شاه با زیور سپید به ناز	*	بینامتنیت
رنگ گنبد	شد سوی گنبد سفید فراز	-	بیش متنتیت: تراگونگی-تغییر
اشاره به فرارسیدن شب	چون شب از سرمه فلک پرورد...	*	بینامتنیت/ بیش متنتیت: تراگونگی-تغییر
حالت طلب بهرام	شاه از آن جان نواز دل داده... خواست تا از صدای گنبد...	*	بیش متنتیت: تراگونگی-تغییر
اشاره به صاحب باغ	گفت شیرین سخن جوانی بود...	*	بینامتنیت/ بیش متنتیت: تراگونگی-تغییر
اشاره به زنان نگهبان	دو سمن سینه بلکه سیمین...	-	بینامتنیت/ بیش متنتیت:



تراگونگی-تغییر	*		
بینامتنیت / بیش متنیت: تراگونگی-تغییر	*	تا بر آن حور پیکران چو ماه...	اشاره به دختران زیبا روی
بیش متنیت: تراگونگی-تغییر	*	خواجه نقشی که در پسند...	انتخاب دخترک چنگ نواز

نوع ترامتنیت ژنت	نگاره ۳ (متن ۲)	شعر (متن ۱)	مسئله تطبیق
بینامتنیت / بیش متنیت: تراگونگی-تغییر	*	شاه با زیور شپید به ناز	رنگ لباس
بینامتنیت / بیش متنیت: تراگونگی-تغییر	*	شد سوی گنبد سفید فراز	رنگ گنبد
بیش متنیت: تراگونگی-تغییر	-	چون شب از سرمه فلک پرورد...	اشاره به فرارسیدن شب
بینامتنیت / بیش متنیت: تراگونگی-تغییر	*	شاه از آن جان نواز دلداده... خواست تا از صدای گنبد...	حالت طلب بهرام
بینامتنیت / بیش متنیت: تراگونگی-تغییر	*	گفت شیرین سخن جوانی بود...	اشاره به صاحب باغ
بیش متنیت: تراگونگی-تغییر	-	دو سمن سینه بلکه سیمین...	اشاره به زنان نگهبان
بیش متنیت: تراگونگی-تغییر	-	تا بر آن حور پیکران چو ماه...	اشاره به دختران زیبا روی
بیش متنیت: تراگونگی-تغییر	-	خواجه نقشی که در پسند...	انتخاب دخترک چنگ نواز

نوع ترامتنیت ژنت	نگاره ۴ (متن ۲)	شعر (متن ۱)	مسئله تطبیق
بینامتنیت / بیش متنیت: تراگونگی-تغییر	*	شاه با زیور شپید به ناز	رنگ لباس
بینامتنیت / بیش متنیت: تراگونگی-تغییر	*	شد سوی گنبد سفید فراز	رنگ گنبد
بینامتنیت / بیش متنیت: تراگونگی-تغییر	*	چون شب از سرمه فلک پرورد...	اشاره به فرارسیدن شب

حالت طلب بهرام	شاه از آن جان نواز دلداده... خواست تا از صدای گنبد...	*	بینامتنیت / تراگونگی - تغییر بیش متنیت:
اشاره به صاحب باغ	گفت شیرین سخن جوانی	-	بیش متنیت: تراگونگی - تغییر
اشاره به زنان نگهبان	دو سمن سینه بلکه سیمین...	*	بینامتنیت / تراگونگی - تغییر بیش متنیت:
اشاره به دختران زیبا روی	تا بر آن حور پیکران چو ماه...	-	بیش متنیت: تراگونگی - تغییر
انتخاب دخترک چنگ نواز	خواجه نقشی که در پسند...	-	بیش متنیت: تراگونگی - تغییر

نتیجه گیری

بررسی تطبیقی میان اشعار گنبد سفید و چهار نگاره انتخابی بر اساس دیدگاه ترامتنیت ژنت نشان می‌دهد هر یک از نگارگران در خلق آثار خود از شیوه و خلاقیت مخصوص به خود استفاده کرده‌اند. در نگاره (۱) نگارگر با فرض مراجعه به متن شعری برخی نشانه‌های کلامی را بصورت بینامتنیت (حضور) در نگاره آورده است اما به علت تغییر نظام کلامی به نظام تصویری شیوه بیش متنیت نیز استفاده شده است، علاوه بر آن از تراگونگی‌های فرهنگی و ملیتی نیز استفاده شده است. در نگاره (۲) نگارگر علاوه بر ایجاد فضای خلق داستان توسط شاهزاده ایرانی؛ در محوطه جلوی آنها قسمت‌هایی از افسانه مورد نقل را نیز آورده است: دخترک چنگ‌نواز، جوان در حال انتخاب دختر، کنیزک و... در این نگاره هیبت شاه به خوبی به تصویر کشیده شده است و جهت تغییرات پیش‌متن به بیش‌متن در جهت خوبی بوده است. بیان مستی معنوی بهرام با پیاله شراب در دست درستی، زاویه دید و شکوه و جلال حاکم بر تصویر به اوصاف قصر ساخته شده توسط شیده نزدیک است. در نگاره (۳) هیبت و شکوه شاه و فضای گنبد نزدیک به فرهنگ و ملیت حاکم بر مکتب بخارا است، که تراگونگی ملیتی و فرهنگی است. فضای افسانه بصورت باغ و جوان بالای تصویر ذکر شده است. نگاره (۴) توامان بیانگر بهرام و شاهزاده ایرانی و دو شخصیت جوان داخل افسانه؛ جوان و دخترک بخت‌نام است. و بیشترین نزدیکی را به فضای افسانه و دو کنیزک نگهبان و اشاره به حیوانات باغ دارد. به طور یقین نگارگران تمام زوایا و معانی نهفته در داستان را به علت محدودیت نشانه‌ها و عمق معانی اشعار نتوانسته‌اند که ذکر کنند و در خلق آثارشان نیز در جاهایی مستقل از متن کار کرده‌اند. به همین جهت در این نگاره‌ها حضور نظام کلامی و تقلید از آن همراه با تغییر و دگرگونی بوده است، و این تغییرات بسته به دوره زندگی نگارگر، نوع جهان‌بینی وی، اصول حاکم بر جامعه و... متفاوت است. از میان چهار نگاره، چهارمین آنها بیشترین بیان فضای افسانه را دارد، دومین نگاره به خوبی شکوه و جلال بهرام گور را به تصویر کشیده و دو فضا هماهنگ با هم در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. سومین نگاره خیلی سطحی‌تر از سایر نگاره‌ها بیان‌گر دو فضای توامان است. هر چند این پژوهش بررسی تطبیقی شعر و نگاره است اما تطبیق نگاره‌ها نیز راهگشای میزان درک و نحوه برخورد نگارگران با متن است، و این همان رویکرد ژنت، ترامتنیت است که به فهم بیشتر ما از دو متن کمک شایانی میکند. مساله‌ای که در تمامی نگاره‌ها ذکر نشده است، عدد هفت و نمادها و معانی مربوط به آن است، همچنین فرجام داستان و عروسی جوان است. ترامتنیت ژنت به نگارگران دوران حاضر رویکردی هدفمند با نظامی معین را نمایانده است که به راحتی می‌تواند



برای خلق آثاری نو و جدید قدم بردارند و از دریچه جدیدی هم به ادبیات و هم به متون تصویری و نگاره‌ها بپردازند و خوانشی جدید داشته باشند. با این وجود انتخاب بیشتر هنرمندان وفاداری محض به سنت است هر چند در بین تعدادی از هنرمندان رویکردهای جدید دیده می‌شود. اما همچنان از قابلیت‌های ترامتیت برای خلق آثار هنری بهره‌چندانی برده نمی‌شود.

منابع

کتاب

- آیتی، محمد. ۱۳۷۶. شرح خسرو و شیرین نظامی. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی و امیرکبیر.
- احمدی، بابک. (۱۳۸۰). از نشانه‌های تصویری تا متن. تهران: مرکز.
- احمدی، بابک. (۱۳۸۴). ساختار و تاویل متن. تهران: مرکز.
- بری، مایکل. ۱۳۸۵. تفسیر مایکل بری بر هفت پیکر نظامی. تهران: نی.
- بیدمشکی، مریم. ۱۳۹۱. رمز پردازی و نشانه‌شناسی افسانه‌های هفت پیکر. مشهد: سخن‌گستر.
- پراپ، ولادیمیر. ۱۳۷۱. ریخت‌شناسی قصه پریان. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
- پورنامداریان، تقی. ۱۳۸۳. رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی. تهران: علمی فرهنگی.
- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۸۹. پیرگنجه در جستجوی ناکجاآباد. تهران: سخن.
- صدیق، ح.م. ۱۳۶۰. زندگی و اندیشه نظامی. تهران: توس.
- معین، محمد. ۱۳۳۸. تحلیل هفت پیکر نظامی. تهران: نشر دانشگاه تهران.
- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۰). درآمدی برینامتیت. تهران: سخن.
- وحید دستگردی، حسن. ۱۳۸۱. هفت پیکر با تصحیح و حواشی. تهران: برگ‌نگار.
- یاوری، حورا. ۱۳۷۴. روانکاوی و ادبیات. تهران: تاریخ جهان.

مقاله

- بیدمشکی، مریم. ۱۳۸۲. «از هفت توی هفت پیکر تا نه توی خیر و شر»، ماه هنر، ۵۵ و ۵۶: ۱۱۲-۱۱۸.
- کنگرانی، منیژه. ۱۳۸۵. «بینامتیت در هنر ایرانی، با نگاهی به نقاشی دوره صفوی»، خبرنگار فرهنگستان هنر، ۴۶.
- _____، ۱۳۸۹. «گونه‌شناسی روابط بینامتیتی در شعر و نقاشی ایرانی»، خبرنگار هم‌اندیشی زبان‌شناسی و مطالعات بینارشته‌ای؛ ادبیات و هنر، ۱ و ۲: ۲۰۱-۲۲۰.
- نامور مطلق، بهمن. ۱۳۸۴. «بیش‌متنیت»، روزنامه همشهری.
- _____، ۱۳۸۶. «ترامتیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها»، پژوهشگاه علوم انسانی، ۵۶: ۸۳-۸۹.
- _____، ۱۳۸۴. «متن‌های درجه دوم»، خردنامه همشهری، ۵۹: ۱۰-۱۱.



A comparative study of the poems of the White Military Dome with four selected images based on Gerard Genet's point of view

Abstract

Literature arrival in miniature context demonstrates the deep connection between these two fields. Nezami's haft-peykar has been known as an inspiration for miniaturists to create miniatures. Miniaturists exploit the poet's imagery along with their visual and artistic imagery when facing nezami's verbal context and they illustrate it.

Adaption of miniatures with nezami's Haft-Peykar poems determines the essence and circumstance of this process. The present research contains a conformist study of the white Dome of Nezami's Haft-Peykar with four miniatures of the white dome of four different eras according to Gerard Genet's stand point. The results of this research has showed three methods of art's creation used by the miniaturist with the assumption of referring to Nezami's poems context.

Trans-textualite presence of verbal signs in picture image. Metatextualite interpretation of poets by the miniaturist and his/her method to create the miniature. Hypertextualite imitation of verbal structure to create graphical structures in two forms of alteration and imitation. This research is descriptive – analytic and it is conducted using library resources and observation.

Keywords: miniature, nezami's poet, Gerard Genet, the white Dome, Adaptation